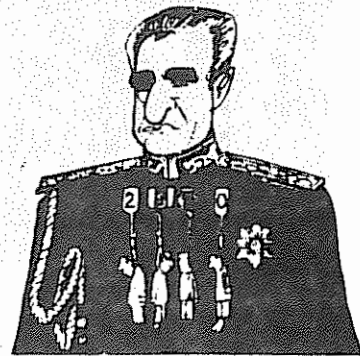


نویسد

(فوق العاده)

(واکنش به حزب توده ایران)

سال سوم، شماره ۳۱، چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۵۷



جلاد ننگت باد!

جنایت تکان دهنده مزدوران شاه در کوی دانشگاه

وختی با همه احساسات صمیمت خود برای آن ها گریستند - این باسج خلق به درخیم بود - اما همه دانشمندی و دختر بیسرحمان بیس سر منزل ماندند - بسیاری از آنان شب را در کوچه و خیابان و اقدیر باره فرح به صبح رساندند -

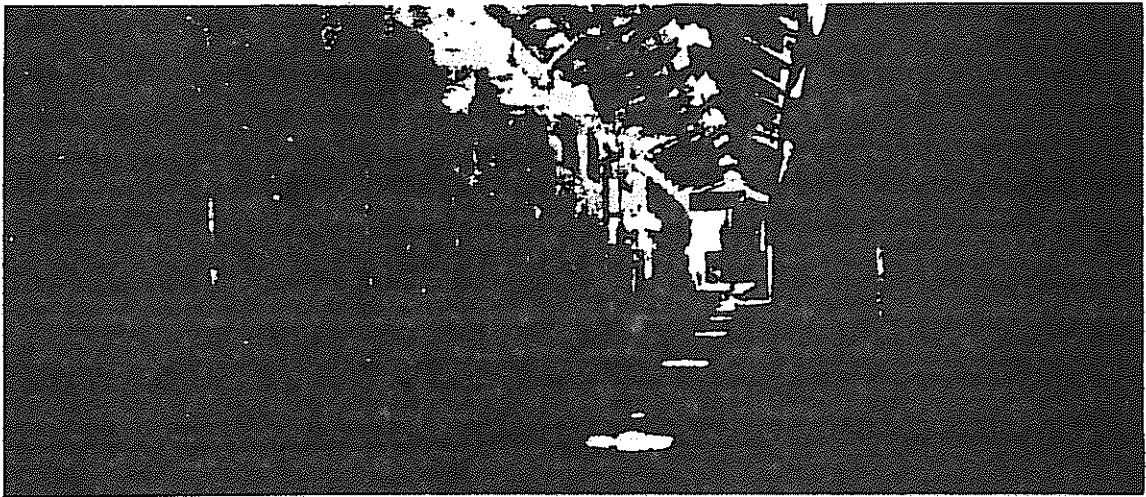
حادثه صبح کوی دانشگاه تنها جلوه ای از سرکشی و طغیان و خشم زخم خور و میزبان شاه و شرکا را منعکس می کند - در حالی که تمامی دانشگاههای کشور به دست و پکتی تعطیل شده است، در حالی که حقوق استادان در دانشگاه منتهی و دیگر استادان زندگان آزاد گشته و برابر خودکامی های مین از حد - حیلان و حیلانگران و توطئه ها و دسیسه های بیخواران در قطع کرده اند - قطع شده - در حالی که مدتها پیش از دانشگاهها اخراج شده اند و با اطلاق نیمانال اگسرس دانشگاه ها با همه هزار دانشجو از تحصیل محروم گردیده اند - جنبش پر خروش دانشمندی که حضور باشکوه پرورش استادان مبین بر سر راه آن خلا و تیش همچنان انگیزی داده است - هرگز این تازه ای می گرد و گامی به جنبش عمومی خلق نزدیک تر می شود - خود افسران و پیمان و پیمان احتیاج ناید بر پایه عنوان حرفه ای از احکامات بی شمار خرمین مجازات خلق - در حاشیه مردم از استادان مسافر دانشگاه عدالت می بینم - همین که ایامی رژیم برای به زانوس در آوردن استادان خرمین حقوق آن ها را قطع کردند - بدانشمندان و عدول ویژه ای برای تاجران نیازهای جرم استادان ایجاد کردند و بسیاری از بازاریان و دیگر آزاد بخواران برای ساده دادن به این سندوق اعلام آمادگی کردند - دسیسه که چون نهفت از دانشگاه به خیابان آمد - در بازار مفرده شد - خلق زیر صیبه های استبداد در بانه و همین بر باره همه هم جوش می خورد - همین عزیزان دانشمندی که در دانشگاهها به خاک می ریختند - اما با هر قطره خون - شعله های مبارزه بیشتر زبانه می کشد - کارگرداران و پیمان آن ها در سازمان سیا و انتی کماندو سرو بیگس می گویند تا با غرابی تری و توطئه چینی - دهنه سازی های ستون و رسوا - شکنجه شکنجه ها - در هر دو در هم گنبدن آزادی خواهان - حمله به موسسات علمی و ماجراجویی های رنگارنگ - طهارات و مبارزات پر خور مبین را دهنده دار سازند - اما سر درست خنرف کنند - به براه بکشند - پایه صورت شورشی های کر و مصیبتان میوه عدلی یک مدتی جوان بر خاسته - آمار کشته شده - اما این دسیسه ها هرگز بیشتر افشا رسوا می شود - این حسیای رد اند و تظور هم می رنگ می شود - دانشمندان و دیگر مهربانان و ستیزانگان از دهن می آوند که بجزر حاصل بخش خفتی چیست و میدان دانش مجازت کیمست - این دسیسه که یک بار به تکرار میماند - همین های گرامی دانشگاه دانشمندان در دهه ای که گذشته - شکنجه های خونین به بار آورد -

اکنون خود کبود و سرخ گردند - دانشمندی را که بی خرم از همه حسا در اتاق های خود سرگرم درس خواندن بودند - مورد حمله دهنده - جنس فرار دادند و آن قدر زور پا گنبدند و بد نشانرا به در و دیوار زدند که گف زمین و پهنه و بوزخافره در خون شد - در ایلغار و حمله های کوی دانشگاه به جز از ۳۰۰ کاندوی مسلح به باتوم الکتریکی، مسلسل سنگین و بمباف شرکته داشته - آن ها بسرای محروم کردن جوانان دانشجو مد خاتیر حواصی شلیقه کردند و مسلح دانشگاهها را با گاز اشک آور و شوخندند - یک از حیلانگران توطئه که از نزد یک شاهد این صحنه های وحشتناک و استاء شیرینان رژیم شاه - ساوان آرزوشندان فرزند آن نیمه خلق بود - از این ساعات نکسین رسوا - مشاوران تکان دهنده ای ترسیم کرده است - او در گزارش خود می نویسد :
گاندولگشتام می دادند - بمرمی می کشیدند و حمله می کردند - هر چند نفر یکی از دختران باسرازان را محاصره می کردند و با کتکهای حیوانی بر سر او می ریختند - به قصد کتک می زدند - انگه مال می کردند و صد اها بی عمیه ویژه و فرناسه سر می دادند - پسرا دانشجو در خزان رادر پکت صوف خود پناه آورده بودند - اما با دست خالی در برابر این همه کسان و دوا می خون میسپار گشته چه می توان کرد ؟
وقتی صبح گری به میدان خونین یک جنگ مخلوط بدل شد - کاندوها وارد اتاق دانشجو می شدند - در راه را جسد می کشیدند - بمرمی خارا خرد کردند - لاج ها را به زکشتند - نوزبانان اغتد - اناطه و لوزام اتاق خارا را افشان کردند - با باتوم شسته پنجره خارا شکستند و سرانجام هر چه کتاب و جزوه و پتو و فیط صوت و راد و ویلیا یافتند به وسط محوطه کوی منتقل کردند و آن هارا به آتش کشیدند - خلق ولسندت حیوانی بعضی از این در زخمیان و قربانان جیل و پکتی در این حین کتاب میوزان - بکشتند - راه آرزو در می آورد - کتاب ها زیانه می کشیدند و نگهبانان و مزدوران رژیم شاه قهقهه می کشیدند - آن ها از آتش و فرهنگ انتقام می گرفتند - مگر نه این که دانشگاه همیشه یکی از سنگرهای استرگازادی و نبرد ضد پکتی بود است -
هر شب و شنبه دانشمندان و تاجران و تاجران در محیط خرد فرهنگ بسا این شیوه عشق - بد نشان و بیجا حجت آرزو سه چهار ساعت ادانه یافتند - اکثر دانشمندی که جیل شدند از این میله خان سا لم به در برتند - در آستانه امتحان خود در کوچه و خیابان ها سرگردان گشته بودند - دانشمندان کوی از شهرهای دور و نزدیک به تهران آمده اند - بنا بر این باور این شدن خوابگاههای آن ها - حاشی برای زندگی ندارند - تعدادی از آزارگان کوی به خانه و دوستان و آشنایان و فامیل خود رفتند - اما بسیاری از خانه ها و خیابان ها و کوچه های اطراف این میدان حین اهرمین و فرهنگ - درهای خود را به روی مدعا دانشمندی که مطس برای بیتر کتکشانند داشته کسودند - غایبانها با با گوش بساز عزیزان محروم و حایل ولس را به فرستند - از آن ها پستاری کردند -

با همسوم خویش و بپرستانه گزارهای شاه به خوابگاه خزان و پسرا دانشجو - همدی حد بدی به آمار کسیدان دانشگاهی ایران از دیده شد و داغ تنگ اندی - بچسانی سپاه رژیم رو میسبان و در زخمیان و اسباب تر کرد - حوادثی که ریز خشمی ۱۷ خرداد شاه در کوی دانشگاه - مهابان امیر آباد شمالی - رخ داد - تنها با خاطر چوکس و ولید - ترنگازی چنگیز و نیو رو شاهکارهای حاشی آتیل و شیکر تاسیل طلبه است - در این لشکرکشی شرم آور طبعه دانشمندان با سلاح که کلاه آن ها آزادی و خواهی و میسب پرستی است - حد افشایک در خنر و دسیسه دانشجو شهید شدند - حد ها نفر به شدت محروم و حدود و محروم گردیدند - و گروه بزرگی از دانشجو پان باز داشتند - حد ها با غفاریه شب سه شنبه نیم خرد ادماه وارد محوطه محراسی خود شدند - در این غفاریه در حد بود و هزار دختر بیسرس دانشجو که از تمدی و احصاف گارد و برو حد دوم سر نیزه در محیط زدگی و خوابگاه خود به سوره آمده بودند - غواستار پان دادن به شرابیط و پلیس و تنهین توپان آسز اتاق ها و نظارت شد به بر رفت و آمد ها و نشست و برخاست های خود شدند - آن ها فریاد زدند - سایه نسوم در پکتی را از محیط و اثر بر صدمه زدگی - خصمی می نادر بکشد - غفاریه امتراضی دانشجو پان با اعراج گارد ها از کسوی دانشگاه پایان گرفت - به نظر می رسد که توجان نیروی خدمت و انتسالی بزوهان جوان کارآمدگی خود را برای امتحان در دانشگاه از سسر گرفته اند - اما ولعیت جز این بود - در پکتی تران همه اسلحه را برای زینت دادن خیابان های شهر - در ازای تالیخ دادن ثروت های ملی تهیه نکرده است - اوتسبا با کینه و گولوه و سر نیزه و خون و سرکشی که می تواند زنده بماند - بدین امید ندان های درنده و ولع بر تنفسی از اوجز خاکستر باقی نمی ماند -

چگونه پوسان و دفا ره پندان شاه با استداره از مرستی که بر خیز دانشجو پان با گارد های کوی دانشگاه و غفاریه بر دامنه وحشه آن ها بدیده آورده بود - طرح یکله دسیسه در پلانه رار بختند - آن ها تصمیم به تعطیل کوی و تاراندن امتحان دانشجو پان جاز و زهر چشم گرفتن از آنان گرفتند - به این ترتیب دانشمندی که طیل فراوانی برای حل و فصل مسائل که پیش آمده بود - به بد ارسیر کسوی رفتند - به حاشی او با کاندوهای مسلح و آماد حمله به رو شدند - کاندوها با جو با تویم و مدت و لنگ - به حان دانشمندان امتدادند - گیسوان در خزان و دانشجو راه در دستهای خود پیچیدند و آتسا را کتان کشان - روی زمین محوطه کسوی کردند - در سرد دانشجو پان پسرا آن همه در به بوزها کوفتند که در هبانت از آنان بیسو شدند - در خزان را با ولع کتکشانند - در خوابگاه آن ها حاشیه در بدند و تن آن ها را زیر صیبات با تویم و مدت و لنگ - وحش دندان های زهرس

پیروزی مبارزه قهرمانانه مردم ایران علیه استبداد فاشیستی محمد رضا شاه



مجلس بالا در روز ۱۰ خرداد ماه جاری از بازار تهران گرفته شده است. میباید که طوری در اماجاها و جار و معمال گرفته شود تا عیناً در حقیقت حش به مشاهده حسن نمونه بازرسیت.

۱۵ خرداد، روز اعتراض خاموش

مجلس شاه انداخته و با نعت و پارچه های آتش به زمین آتش زدند و آنگاه در حالی که دود و آتش ز سر صفای دوران زمانه میگذشت شعارهای ضد دیکتاتوری دادند.

ماحققت اینست که سلسله ها رنگها و پانته ها و چادگان ایران رژیم و زنگار سازان در اتاق های اصناف که سخن پیشه جیبه رژیم به حساب می آید مباحثه فر و نیزها و سفید بازی های خود نخواستند مردم را از این جیبش به اعتراض جابوز و گسترده ضد دیکتاتوری باز دارند. جالب ترین نوع اعتراض در ۱۵ خرداد در راه آتشخواران دانشگاه پهلوی که روزی مانده به روز اعتراض در خوابگاه باغ ارم نشان در آمدند. آن ها لاستیک کینتو به اتوبوس رایب کردند

فصلی کامل بازار تهران بسیاری از مفاضا و حوسسات با پنجه و نیز انحصاری که گسترده اعتراضی در دیگر شهرها که باستان مفاضا ها و بازارها و متمثل کسب و کار آشکارند به مثابه فرش خفته چهاره جو پانه مردم طبع رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک شاه و ترکان و ایرانیان امیرالاست آن ها بود. ملی رژیم تبه به ها و دسیسه چنین ها و های و هوای و پند و جو بی های رژیم که با چنگ و دندان نشان دادند و به سرزده و زندان و طعنه های جانگزا کینتو بد کردن همراه بود. روز ۱۰ خرداد بسیاری از شهرها از جمله قم، کاشان، اصفهان، نجف، آباد، تبریز، آبادان، همدان، ریز، مشهد و شهرهای دیگر حالت انحصاری یا شبه انحصار داشتند. بازارها در بیشتر شهرها تعطیل کردند. کسبه و مردم کار روزانه را برای چند ساعت رها کردند. تا هرم خود را به سازمان بازرسی و راهنمای و ز خیابان و حمایت خوبی را از سازمان راه آزادی تانگه کنند. اگر چنین روز اعتراض و انحصار به به خاطر که تا می دانسته تبلیغ میان مردم و کم کار کردن سازمان حسا عناصر سیاسی در وقت کنند. به انصاف در میان انتشار گروه حساسی محافظت و پراکنده کاری آن ها. مبرانی به مراتب کمتر از آن داشته که می توانست داشته باشد. مابین حال موج اعتراضی که شهرها را در بر گرفت نشان و رنگینگی نیز از این جلا. تا حد آری ایران و گسترش و تنوع نمودند ضد استبداد می بود. بنایه گزارش خبرنگاران "نیز" در پاره ای از شهرها نیز بود و کاشان، شهر کامل تعطیل بود. چنانچه آن که کسبه نیز به شده بودند که جواز آن ها نخواهد شد. به چنین گسترده اعتراضی پیوستند. در کلبه شهرها و این روزها حکم نظامی بر فرار بود. کامیون های پلیس و ارتش و گرد های به اصطلاح ضد فرس که سطح خیابان ها میدان بین سراز و نقاط مختلف شهرها را اشغال کرده بودند. و حضور هزاران مأمور امنیتی و نظامی و شبه نظامی در کوچه ها و محله ها. نشان و مشخصه رژیم از مردم و مستی بنای در حال تزلزل بودی آن بود. در ولایت و قسمت کرد گسترده اعتراضی ۱۰ خرداد را نسبتاً به شامه بی اساس میخواند و اعلام کرد که به این ها میباید برکناری نماید. توجه کرد. اینا شکست آن که همین شامه به تسسول نخست وزیر بی اساس چنان ارتکان حکم صدر را زیندو چنان رژیم گزافا و در روزگان و مصلحت با مزاج توده های ملتگی را سراسیمه کرد کسبه تمامی نیروها و ملکان تا نظامی و غیر نظامی و مدد و راه تبلیغاتی خود را برای مظلوم آن به طرز آسار کسبه و مصلحتی به پاری گرفتند. وطن به قول مهندس زیر سو گلن ماه یک "شامه" چنین کسره و ترسی بر ارتکان رژیم بلند آزد. در همه یونی "مگد بدگی و مغرب سیاسی با یکی رژیم را می توان در پانته.

کوه ها در قرق چماق داران رژیم

چماق که اعلامیه ای همراه ندارد. به ما گفته بودند که شما در کوه حساب کنید. بنیاس به راه می اندازید. کتاب های سیاسی منویحه می خوانید. و اعلامیه پیش می کنید. پس کتاب ها پتان کماست؟ جوانان دستبسته گفتند که فقط برای بریز و بفرج به کسوه آمده اند. اما سر گروگان لباس های آن ها را از نشان خارج کردند و با کلبه شان را به زیر تازیانه گرفتند.

حلقه به که هنوز در آن جوان و کلبه های دانشجو بی در کوههای اطراف تهران اجماع می نمایند و حریت آوری یافته است. رژیم شاه سلطنت با فرستادن گرد های سلاح چماق بسد کوهستان با لباس های مدل به گوهیا و گاشتن این لا شعور ها در کسبوس جوانان و تقیبا طرح سلاح جوانان و دانشجو بان از نیز از آن ها بوده است. در شماره گذشته "نیز" خبر دادیم که مدعی از دانشجو بان مدرسه عالی دیده و چند کلبه دیگر از جوانان کوهنورد در ارتفاعات بلند چال، در کوه راجه مورد حمله ناچار آمدند نه و نزار به آسمان گماندهای چماق در آرزوی به دست آید که در همین حال بسلاح های جنگی مسلح بودند. تزار کردند و به شدت مروج و صدور م کلبه های گشتار رژیم مسلح به انواع سلاح های گرم سرد در کوه ها به شکار جوانان می بردند. آن ها با کلبه از جوانان دانشجو را بنیاز از ۱۰ ساعت در کوه به اسارت گرفته و آن ها را مورد شد بدترین بی شریات ترین توجیه ها و تحقیر ها و زجر شکنجه قرار دادند. آن ها در دانشجو بان مدرسه عالی چه را نمایند. بسلسل تا چارگردند روی زمین دراز می کنند و آنگاه دست ها پشان را از پشت بسته چماق و زنجیر به حاشان افتادند و سر پا پشان را زمین و صحرای صاف کردند. در ارتفاعات بلند چال زنجیر کردند که هنوز آن جوان انداخته آن ها را روی صخره ها کینتو ندو و با سفید چماق و سنگ به جان آن ها افتادند. مرمانده اچاقان چماق در آن که مسلح به سلسله بود و ترکان آریا سرگز همان خطاب می کردند. پس از عتیش انا که هنوز موصوب با کلبه در خزان صحران که هنوز میباید آن ها گفتند.

متحد شویم و رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را سرنگون کنیم!